

مطالبه‌گری والدین از نظام آموزشی

محمد داوری

هیچ چیزی برای يك پدر و مادر مهم‌تر از سرنوشت فرزندان نیست و بی‌تردید پایه و اساس موفقیت فرزندان نیز در گرو تربیت موفق است؛ تربیتی که 12 سال از آن در پیوند خانه و مدرسه انجام می‌گیرد و کودکی و نوجوانی آنها در سایه معلمان و مربیان و والدین سپری می‌شود. بی‌تردید خود کودکان و نوجوانان چندان نمی‌توانند مطالبه‌گر باشند و کتاب و کلاس و معلم و مدرسه کارآمدی را از نظام آموزشی بخواهند به ویژه در دوره‌های پایین‌تر که درک و توانی برای این مهم ندارند اما والدین آنها هم این حق و هم این مسوولیت مهم را دارند که مطالبه‌گر يك نظام آموزشی کارآمد باشند، نظام آموزشی که بتواند از کودکان و نوجوانان شهروندانی کارآمد بسازد. سال‌ها است که فقط صدای فرهنگیان بلند است و آنها در کنار مطالبات صنفی خود ناکارآمدی نظام آموزشی را هم فریاد می‌کنند و مشکلات معلمان را معلول ناکارآمدی نظام آموزش میدانند در کنار فعالان صنفی و تشکیلاتی و رسانه‌ای معلمان، تعدادی از اساتید و کارشناسان حوزه آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت هم به این ناکارآمدی‌ها واکنش نشان داده و خواستار تغییر و تحول در ساختار و محتوا و سیاست‌ها و برنامه‌های دستگاه آموزش و پرورش هستند. اما آنچه در این میان شنیده نمی‌شود یا بسیار کم شنیده می‌شود صدای والدین است؛ صدای که به نمایندگی از حدود 15 میلیون کودک و نوجوان این سرزمین باید بیش از همه بلند باشد. کودکان و نوجوانان معصوم و بی‌پناهی که صدایی ندارند و اگر پدران و مادران صدای مظلومیت آنان نباشند در آینده نه توان جبران و نه امکان پاسخگویی را خواهند داشت. به ازای هر دانش‌آموز دو نفر یعنی پدر و مادر او باید از مدرسه فرزندش ارایه خدمات آموزشی و پرورشی مطلوب را مطالبه کنند و اگر يك مدرسه‌ای که 400 دانش‌آموز دارد 800 پدر و مادر مطالبه‌گر و مشارکت‌جو داشته باشد بعید است که ناکارآمدی آن مدرسه ادامه داشته باشد. بی‌تفاوتی و ناامیدی بزرگ‌ترین عامل استمرار ناکارآمدی مدارس و نظام آموزشی کشور است و بسیار تاسف‌بار است که نسبت به این مساله مهم و سرنوشت‌ساز جامعه به ویژه والدین بی‌تفاوت هستند مگر

چه امری حیاتی‌تر از فردای کودکان و نوجوانان ما وجود دارد؟! متأسفانه حتی ساختار موجود مانند انجمن اولیا و مربیان هم به خوبی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و این نهاد درون مدرسه‌ای که برای اعمال مشارکت و نظارت والدین و مطالبه‌گری آنها به صورت قانونی پیش‌بینی شده است بیشتر تشریفاتی بوده و ابزاری است در دست مدیران برای پوشش دادن ضعف‌ها و ناکارآمدی‌ها. بی‌تردید با وجود شبکه‌های اجتماعی و پیوند والدین با فرهنگیان و کارشناسان و اساتید منتقد و مطالبه‌گر حوزه آموزش و پرورش می‌شود برخورداری از نظام آموزشی کارآمد را به یک مطالبه ملی و یک ضرورت توسعه‌ای تبدیل کرد و امید است یک حرکت مدنی گسترده برای تحقق این مهم شکل گیرد.

۰۰۰۰۰۰۰۰ ۱۴۰۰ ۰۰۰ ۱۲ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰:۰۰۰۰